

تحلیل تهدیدات طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان و پیامدهای امنیتی آن

آرش قربانی سپهر^۱، افشین متقی^۲، حسن صمدزاده^۳، مراد دلالت^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۷
تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۶

از صفحه ۳۳ تا ۶۰

پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی چهل و پنجم)، بهار ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: حساسیت‌های بالای استان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساختارهای طبیعی، انسانی و سیاسی - فرهنگی، امنیتی و نظامی خاص و سابقه چندین ساله بحران، ضرورت شناخت همه‌جانبه استان و پژوهش‌های مفصل علمی را برای کشف علل و عوامل ناامنی و پیدا کردن راهکارهای مناسب برقراری امنیت و استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای را ضروری می‌دارد و این امر محقق نمی‌شود مگر با مطالعات منطقه‌ای که مقاله حاضر، حاصل این پژوهش در منطقه سیستان و بلوچستان می‌باشد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت و تحلیل تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز مؤثر بر ناامنی و نابسامانی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش روش کتابخانه‌ای و میدانی است. همچنین جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان امنیتی و انتظامی، مسئولین و نخبگان دانشگاهی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. همچنین داده‌ها با استفاده از پرسشنامه روا و پایا (آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰۷) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایجی که از آزمون فریدمن به دست آمده می‌توان گفت که در بین گویه‌های تحقیق، گویه «تهدیدات انسان‌ساز» با امتیاز ۱/۳۳ در رتبه اول قرار می‌گیرد و گویه «تهدیدات طبیعی» با امتیاز ۱/۰۸ در رتبه دوم قرار می‌گیرد که فرضیه اول تحقیق رد می‌شود. همچنین نتیجه حاصل از آزمون T-Test برای وجود تفاوت معناداری تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز مؤثر بر نابسامانی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان نشان‌دهنده آن است که سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار مثبتی بین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز وجود دارد. بدین ترتیب، بین این دو، یعنی تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز رابطه معناداری وجود دارد که فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان‌دهنده آن است که تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز تأثیرگذار در این فضای جغرافیایی بحران و ناامنی را در سیستان و بلوچستان دوچندان نموده که پیامدهای امنیتی ناگواری را برای این استان در سال‌های اخیر از جمله تهدید نگرش به حاکمیت، تهدید اندیشه‌های حاکم، تهدید هویت ملی، تهدید انسجام اجتماعی، تهدید سرمایه اجتماعی، تهدید دل‌بستگی ملی و تهدید رفتار اجتماعی رقم‌زده است که به تبع آن زمینه ناآرامی‌های اجتماعی در میان شهروندان، طراحی توطئه‌آمیز بازیگران خارجی و دخالت گروه‌های اجتماعی ناراضی فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها: تهدید، امنیت، ناامنی، سیستان و بلوچستان.

۱- دانشجو دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳- دانشجو دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): hsk.shatranloo@gmail.com

۴- دانشجو دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

انسان برای تسلط بر طبیعت، فرار از ناامنی و تهدید، تأمین نیازهای اساسی خود و در یک کلمه، برای دستیابی به امنیت و احساس ایمنی، زندگی اجتماعی را برگزید (شیخی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲). لذا، امروزه با تغییرات صورت گرفته مرزها نیز اهمیت بیشتری یافته و در برقراری امنیت جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. به‌نحوی که امروزه برقراری امنیت در گستره قلمرو سرزمینی هر کشور، یکی از وظایف اولیه نظام سیاسی حاکم در آن کشور می‌باشد. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز مسئله تهدیدهای امنیتی و برقراری امنیت در منطقه جنوب شرق، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی رهبران سیاسی و مدیران امنیتی بوده است. بر این مبنای، یکی از مناطقی که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دچار بحران‌ها و ناآرامی‌های دامنه‌داری شده است، استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. این استان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در کنار کشورهای پاکستان و افغانستان و دریای عمان و ویژگی‌های انسانی و طبیعی خاص، دارای موقعیت ویژه و از وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار می‌باشد. از این‌رو، تهدیدهای امنیتی در این منطقه، بر اساس منشأ شکل‌گیری تهدید می‌تواند شامل تهدیدهای امنیتی با منشأ داخلی، تهدیدهای امنیتی با منشأ مسائل مرزی و تهدیدهای امنیتی با منشأ خارجی (فرا منطقه‌ای) نیز باشد. در مجموع، کنش و واکنش‌های این سه سطح، امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. این تهدیدها را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، نظامی- امنیتی، اقتصادی و جغرافیایی- طبیعی تعریف نمود (علی‌پور و محمدحسینی، ۱۳۹۱: ۲)؛ اما در این بین، تأثیرات منفی مؤلفه جغرافیای طبیعی و انسانی [تهدیدات] ناشی از آن در امنیت فضایی سیستان و بلوچستان، طی چند سال اخیر، نمود بیشتری یافته است؛ به‌گونه‌ای که در میان عمده مناطق کشور که از لحاظ [تهدیدات طبیعی] در بحران به‌سر می‌برند، استان سیستان و بلوچستان در رده مناطق بحرانی دائمی و خفیف قرار می‌گیرد (موسوی و اطاعت، ۱۳۸۹: ۳). بدین ترتیب، در بین مناطق کشور، سیستان و بلوچستان به‌طور دائمی دارای اقلیمی گرم و خشک است که به علت نبود وحدت اقلیمی بر کل استان، نقاط مختلف استان از نظر آب و هوایی باهم تفاوت دارند که در دو دهه اخیر زمینه خشکسالی را فراهم آورده است.

از این رو، در استان سیستان و بلوچستان، خشکسالی یکی از عوامل اصلی در جابجایی (مهاجرت) به شمار می‌آید. مقوله مهاجرت از استان سیستان و بلوچستان به دلیل شرایط خشکسالی و مشکلات ناشی از روی کار آمدن طالبان، انحراف مسیر رودخانه و خشکی تالاب هامون رخ داد که پیامدهایی نظیر گسترش گردوخاک‌ها و گردوغبارها و خشکسالی را در پی داشت که منجر به مهاجرت به استان خراسان جنوبی و رضوی و به جاهای دیگر شد و طبیعتاً تبعات امنیت ملی به دلیل حساسیتی که منطقه زابل و سیستان در لولای دو کشور همجوار افغانستان و پاکستان را اگر از کثرت جمعیت داخلی در واقع خالی ببینیم مخاطرات امنیتی آن بسیار گسترده خواهد بود (جان‌پرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۵-۱۸۴).

از سوی دیگر، امنیت و توسعه در استان سیستان و بلوچستان رابطه نزدیک و تنگاتنگی با یکدیگر دارند و به شدت بر یکدیگر تأثیرگذار هستند (احمدی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷). در این راستا، در کشور ایران طبیعت منزوی به مناطق مرزی، به‌ویژه در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹). بر این مبنا، وجود بی‌عدالتی‌های محیطی و توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور، به‌ویژه در نواحی مرزی جنوب شرق موجب گسست وحدت و همبستگی ملی و واکنش تحریکات واگرایانه در این مناطق قومی شده و به‌رغم تلاش‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در جهت رفع محرومیت از نواحی کمتر توسعه‌یافته و نواحی مرزی جنوب شرق انجام شده است، باز به دلایلی از قبیل انزوای جغرافیایی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، وضع نامناسب اشغال و بحران بیکاری، قاچاق مواد مخدر و کالا، مهاجرت و عوامل محدودکننده امنیت سرمایه‌گذاری، باعث شده که این مناطق از چرخه توسعه بازمانده و شاخص‌های توسعه در آن‌ها در سطح مطلوبی قرار نگیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۸۶). به‌هرروی، حساسیت‌های بالای استان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساختارهای طبیعی، انسانی و سیاسی - فرهنگی، امنیتی و نظامی خاص و سابقه چندین ساله بحران، ضرورت شناخت همه‌جانبه استان و پژوهش‌های مفصل علمی را برای کشف علل و عوامل ناامنی و پیدا کردن راهکارهای مناسب برقراری امنیت و استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای را ضروری می‌دارد و این امر



محقق نمی‌شود مگر با مطالعات منطقه‌ای در شناخت تهدیدات که مقاله حاضر، حاصل این پژوهش در منطقه سیستان و بلوچستان می‌باشد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت، رتبه‌بندی و تحلیل تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز مؤثر بر ناامنی و نابسامانی استان سیستان و بلوچستان است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

در جدول شماره (۱) به چند پیشینه‌ای که در ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش می‌باشد، اشاره می‌کنیم. از این‌رو، بررسی پیشینه پژوهش می‌تواند کمک قابل توجهی به محقق در فرایند پژوهش نماید.

جدول ۱: پیشینه مطالعاتی پژوهش

ردیف	محققان	توضیحات
۱	شیخی‌راد و همکاران (۱۳۹۷)	در مقاله‌ای با عنوان «تبیین راهکارهای دستیابی به امنیت پایدار با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان» که در پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی به چاپ رسیده است، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد مؤلفه‌های فرهنگی موجب کاهش ناامنی و افزایش امنیت پایدار در منطقه می‌گردند.
۲	جان‌پرور و همکاران (۱۳۹۶)	در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای بحران مهاجرت ناشی از خشکسالی کوتاه‌مدت در استان سیستان و بلوچستان» که در فصلنامه جغرافیا به چاپ رسیده است، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که کمبود آب در مناطقی که درگیر خشکسالی می‌شوند منجر به افزایش مهاجرت می‌شود. وقوع خشکسالی‌های شدید در منطقه، اثرات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی برجای گذاشته است و سبب شده تعادل جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و... نامتوازن شده و به بحران‌های منطقه‌ای و عدم توسعه‌یافتگی منجر گردد.
۳	جان‌پرور و اخلاقی حسینی (۱۳۹۵)	در مقاله‌ای با عنوان «شکندگی طبیعی و امنیت و ناامنی در جنوب شرق کشور» که در همایش نهمین انجمن ژئوپلیتیک ارائه گردید، نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل طبیعی نظیر خشکسالی‌های فراگیر، طوفان شن، بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، زمین‌لرزه جنوب شرق کشور را به یکی از فضا‌های شکننده از نظر طبیعی تبدیل کرده‌اند.
۴	عزیزی و آذرکمند (۱۳۹۰)	در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور» که در نشریه دانشنامه به چاپ رسیده است بیان می‌کنند قوم بلوچ، قوم غالب منطقه شرق کشور می‌باشد که دنباله قومی آن به خارج از کشور کشیده شده و به جهت مؤلفه‌هایی نظیر قومیت، مذهب و دوری از مرکز ... کمتر در تحولات بزرگی که حداقل در سده اخیر کشور را متأثر ساخته نقش عمده‌ای ایفا کرده، این عدم مشارکت میزان همگرایی این قوم را با ملت ایران متأثر ساخته است.
۵	احمدی مقدم (۱۳۸۹)	در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای انتظامی در جغرافیای سیستان و بلوچستان» که در فصلنامه نظم و امنیت انتظامی به چاپ رسیده بیان شده که اتخاذ هرگونه راهبردهای امنیتی انتظامی در این منطقه بدون توجه به مؤلفه جغرافیایی کارایی نخواهد داشت.

بدین ترتیب، پیشینه تحقیقاتی موجود در این زمینه به‌طور جامع به تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز استان سیستان و بلوچستان نپرداخته‌اند و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین در گام نخست، ارائه و شناخت تهدیدات انسانی و طبیعی در این استان بوده و در گام بعد رتبه‌بندی تهدیدات از نظر شدت پیامدهای امنیتی بیشتر آن بر استان می‌باشد. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از تهدیدات بیان‌شده در مقالات پیشین بهره گرفته شده است.

مبانی نظری پژوهش

نزد عموم تحلیل‌گران امنیتی بین شدت تهدید و میزان ناامنی ناشی از آن ارتباط مستقیمی وجود دارد، به‌گونه‌ای که تهدیدات بزرگ‌تر از حساسیت امنیتی بالاتری برخوردارند؛ اما ایده «معمای امنیتی» ارائه‌شده از سوی «جان هرترز»، اصطلاح «معمای تهدید» را سامان داده که بر این ایده استوار است که «ارزش امنیتی تهدید از شدت تهدید - از حیث نظری و عملی - متمایز است». معنای این گزاره آن است که نخست، تهدیدات می‌توانند ضعیف یا قوی باشند؛ دوم این‌که، لایه‌بندی تهدیدات این امکان را به وجود می‌آورد تا از ناامنی‌های ایجادشده در یک سطح جهت ارتقای ضریب ایمنی‌اش استفاده ببرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۷). در مکتب کپنهاگ، «امنیت» با «فقدان تهدید» رابطه‌ای معنادار دارد؛ امنیتی کردن، معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده واقع می‌شود که خود، محصول درک بین‌ذهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی است. این مسئله از یک‌سو نشان از آن دارد که تهدیدها در بستر جامعه و با اتکا به اذهان شکل می‌گیرند و هویتی مستقل از جامعه ندارند و از سوی دیگر تهدیدها، لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۸)؛ لذا امنیتی کردن، نظریه‌ای است که از سال ۱۹۹۰م به بعد در مکتب کپنهاگ توسعه‌یافته است. همان‌طور که ویور معتقد است: «هدف نظریه امنیتی کردن، ساخت و ارائه نوعی تجزیه و تحلیل امنیت نومتعارف است که هستی سنتی مفهوم امنیت (بقا، تهدید وجودی) را مورد تردید قرار داده و در دو بخش غیرنظامی و غیردولتی



کاربرد دارد» (ویور،^۱ ۱۹۹۵: ۱۱۰). بر اساس نظر مکتب کپنهاگ، فهم و درک روندهای فرهنگی امنیتی کردن ضروری است. از این رو، کنشگران مسائل را به‌مثابه تهدیدات برای امنیت بر می‌سازند. محیط امنیتی معاصر، به‌طور عمیقی از منظر این مکتب، به سیاسی کردن یک مسئله در پیوند است. سیاست‌های امنیت، صرفاً در مورد تهدیدات از پیش تعیین شده نیست، بلکه عملی برجسته است و مسائل مشخصی را به‌مثابه تهدید آشکار می‌کند (ویلیامز،^۲ ۲۰۰۳: ۳۸). از آن حیث که مکتب کپنهاگ امنیت را در نبود تهدید تعریف می‌کند، ویور نیز امور امنیتی را در تناظر با تهدید ارزیابی می‌نماید، به‌گونه‌ای که معتقد است هر موضوع زمانی در دایره امنیت قرار می‌گیرد که به‌صورت «تهدید وجودی» جلوه‌گر شود (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودیت را به خطر می‌اندازد و به همین خاطر، رسیدگی به آن در اولویت قرار می‌گیرد. از این رو، در طیف موردنظر ویور، هر چه از موضوعات غیرسیاسی به سمت موضوعات امنیتی بیشتر حرکت می‌کنیم، تهدید ایجادشده و فوریت اقدام برای دفع آن تهدید بیشتر است. بنا به گفته ویور، با استناد به تهدید وجودی، کنشگر قادر است قواعد بازی سیاسی را بشکند (همان، ۵۰). منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که ارزش‌های حیاتی سه‌گانه (تمامیت ارضی، ایده و الگوهای رفتاری و حاکمیت سیاسی) را به خطر اندازد. این وضعیت با به‌خطر افتادن ارزش‌ها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید (هندیانی و داودی دهقانی، ۱۳۹۴: ۶۹). به هر ترتیب، درک تهدید فرآیندی پیچیده است و تعریف آن به‌آسانی انجام‌پذیر نیست، اما به‌طور کلی از دیدگاه روانشناسی، درک، از چرایی و چگونگی رفتار دیگران ریشه می‌گیرد. درک تهدید همیشه نمی‌تواند بر حقایق پایدار و واقعیت‌های موجود مبتنی باشد. گاهی این درک به نادرست و یا سوءبرداشت از تهدید می‌انجامد و نتایج زیانباری را برای کشور به دنبال می‌آورد. همه تلاش محققین این رشته، پیرامون این نکته اساسی است که چه شرایط و عواملی باعث می‌شود تا این درک و برداشت به درک نادرست و سوءبرداشت منتهی شود. نظرات متفاوت و متغیرهای گوناگونی با اولویت‌های مختلف از سوی این عده مطرح شده است؛ لذا متغیرهای زیر را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین متغیرهایی دانست که

۱- Waever

۲- Williams

در فرآیند درک تهدیدات مؤثر بوده است و عدم توجه به آن‌ها به سوء تهدیدات خواهد انجامید (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۶۹).

جدول ۲: متغیرهای مورد بررسی

ردیف	متغیر	توضیحات
۱	زیست‌محیطی	رویکرد سبز «تهدیدات» را موضوعاتی خاص ارزیابی می‌کند و لذا می‌توان ادعا کرد که «نگرش زیست‌محیطی» معرف پیدایش شکل نوینی از تهدیدات می‌باشد که از ناحیه سیاست‌های اقتصادی انسان در بستر طبیعت شکل گرفته و به‌صورت فزاینده‌ای ابعاد مختلف زندگی سالم انسان بر روی بوم‌کره خاکی را تهدید می‌نماید.
۲	اجتماعی شده	موضوع اصلی تهدیدات اجتماعی را «هویت» تشکیل می‌دهد که با عناصری چون زبان، فرهنگ و... شناسانده می‌شود که می‌تواند در کشورهای چند قومیتی و ناهمگون، تهدیدات انسان‌ساز را ایجاد کند.
۳	روان‌شناختی	درک تهدید، دو مرحله وابسته به یکدیگر را در بردارد: ۱- مشاهده ۲- قضاوت؛ هر دوی این‌ها فرایندهایی روان‌شناختی هستند و در سطح فردی و گروهی مؤثرند. بر همین اساس در نظر داشتن روان‌شناسی، ذهنیات، نظام‌های اعتقادی و ارزشی و انگیزه‌ها و منافع افراد و گروه‌های تصمیم‌گیرنده بسیار اهمیت دارد.
۴	تاریخی کشور	درک اهداف، منافع و سیاست‌های یک کشور یا نژاد بدون توجه به این متغیر امکان‌پذیر نیست. تأکید بر اهداف تاریخی گذشته از اینکه به استحکام و ثبات رهبری و انسجام ملت می‌انجامد گاهی ممکن است منجر به تصورات کلیشه‌ای از تهدیدات گردد که نتیجه طبیعی آن غفلت از موقعیت و شرایط جاری و معاصر کشور می‌باشد.
۵	ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی	موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی هر کشوری عاملی کلیدی در امنیت یا ناامنی آن به شمار می‌رود. این متغیر خود ابعاد گوناگون دارد که برخی از آن‌ها آثاری زودگذر را در پی دارند و برخی دیگر جزء عوامل پایدار در درک تهدیدات ارزیابی می‌شوند.
۶	موازنه قوا	این متغیر به‌طور منطقی از تشنج‌های ذاتی و تاریخی روابط کشورهای یک منطقه ریشه گرفته است. البته مفهوم قدرت چیزی بیش از قدرت نظامی است. قدرت نسبی کشورهایی که با یکدیگر رابطه دارند، به‌ویژه آن‌ها که رقیب هستند، درک تصمیم‌گیرندگان را از امنیت یا ناامنی تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه اطمینان یا عدم اطمینان از وجود توانایی برای رویارویی با تهدید و پیروزی بر آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
۷	میزان آسیب‌پذیری داخلی	هر چه میزان آسیب‌پذیری داخلی کشوری بالا باشد، به همان اندازه نیز درک تهدیدات افزایش پیدا می‌کند و شاید این افزایش خود به درک اشتباه منتهی شود. لذا یکی از جنبه‌های داخلی آسیب‌پذیری داخلی بُعد اجتماعی و فرهنگی است.
۸	نظام اعتقادی و ارزش‌های حاکم	ارزش‌ها چارچوبی را ایجاد می‌کنند که واقعیت را از راه آن مشاهده می‌گردد، همین چارچوب است که معیارهایی را برای ارزیابی رویدادهای بین‌المللی فراهم می‌کند.
۹	ساختار نظام سیاسی	به‌طور عمده نخبگان و سازمان بوروکراسی کشور در زمینه امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌کنند. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که منافع و اهداف نخبگان و هیئت حاکمه بر درک تهدید اثر بگذارد.

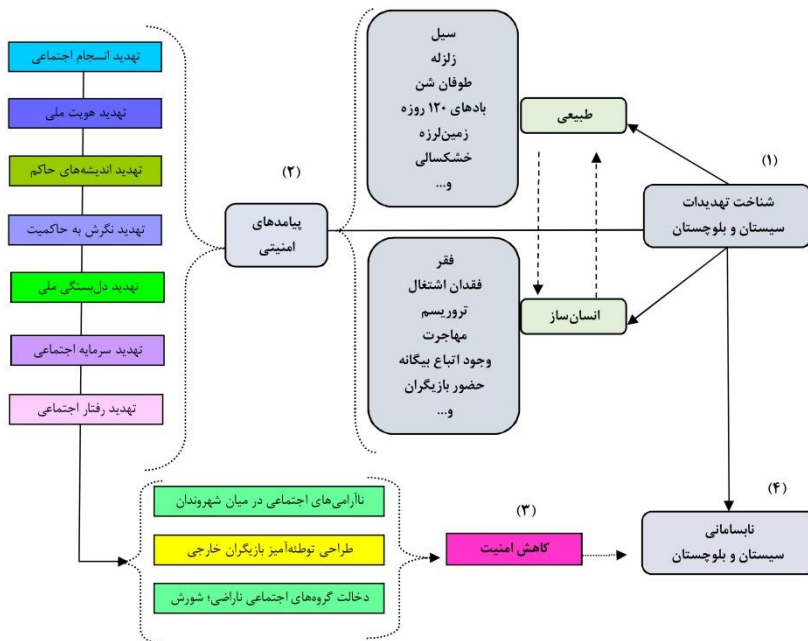
مأخذ: (اقتباس از درویشی سه تلانی، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۵؛ افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۰)



بنابراین، تهدید یک خطر بالقوه است که هنوز محقق نشده و صرفاً در حد یک ایده یا فرض می‌باشد که احتمال وقوع آن می‌رود. به عبارت دیگر، تهدید، مفهومی به کلی انتزاعی است به طوری که تعیین زمان و چگونگی مورد تهدید واقع شدن به سادگی امکان پذیر نیست. به عبارتی، هرگاه انسان از سوی عوامل طبیعی یا غیرطبیعی در خطر قرار گیرد و امکان ایجاد حادثه و ضرر و زیان جانی و مالی وجود داشته باشد، به نوعی دچار تهدید شده‌اند (فردرو، ۱۳۸۹: ۱۶). بدین ترتیب، تهدید به صورت کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: الف - تهدیدات طبیعی ب - تهدیدات انسان‌ساز

الف: تهدیدات طبیعی؛ که شامل تهدیداتی است که امکان دارد طبیعت برای انسان‌ها به وجود آورد که شامل سیل، زلزله، توفان، ریزش و لغزش کوه‌ها و... می‌شود.

ب: تهدیدات انسان‌ساز؛ عامل این تهدیدات، انسان‌ها هستند که عمدی یا سهوی انسان‌های دیگر را با خطر مواجه می‌کنند. این تهدیدات نیز به سه دسته نظامی، امنیتی و اتفاقی قابل تقسیم هستند؛ تهدیدهای نظامی شامل تهاجم هوایی، زمینی و دریایی می‌باشد. تهدیدهای امنیتی نیز شامل تروریسم، بمب‌گذاری، قاچاق، مهاجرت و... می‌باشد و تهدیدهای اتفاقی شامل آتش‌سوزی، انفجار مخازن سوخت و یا نشت مواد خطرناک است (مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۸: ۲). در مجموع، نگارندگان با اعتقاد به تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته از تهدیدات، بر اساس شاخص‌ها و موضوعات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، تهدیدات را در مقاله حاضر بر بنیان دو تهدید استوار می‌سازد که هرکدام از آن دارای عوامل جزئی‌تر می‌باشد که در مدل مفهومی تحقیق ترسیم شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای، اینترنتی و میدانی است. همچنین جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان امنیتی و انتظامی، مسئولین و نخبگان دانشگاهی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. همچنین داده‌ها با استفاده از پرسشنامه روا و پایا (آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰۷) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است.

در یک پژوهش برای پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش و یا آزمون فرضیه‌ها، تشخیص متغیرها امری ضروری است. در این پژوهش دو نوع متغیر در نظر گرفته شده است. در این پژوهش به صورت کلی، «تهدیدات طبیعی و انسانی» به عنوان متغیر مستقل و «پیامدهای امنیتی» به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

در پژوهش حاضر تهدیدات طبیعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که بر کاهش امنیت تأثیر می‌گذارد. لذا جهت فهم و درک بهتر این متغیر شاخص‌هایی از این متغیر را شناسایی و مورد تحلیل قرار داده‌ایم که از جمله آن «دما و پیشینه آن،



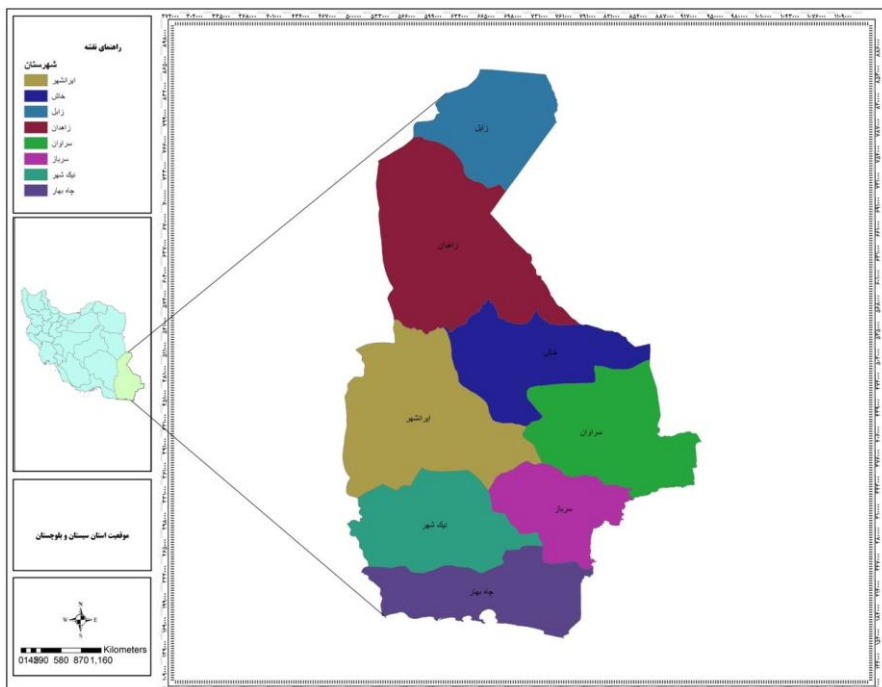
خشکسالی‌های فراگیر، بادهای ۱۲۰ روزه، طوفان شن، بارش باران‌های سیل‌آسا، زمین‌لرزه، فاصله جغرافیایی، شرایط محیطی، موقعیت مکانی و پیوستگی با فراسوی مرز»، همچنین متغیر مستقل دیگر پژوهش «تهدیدات انسانی» که دارای شاخص‌هایی همچون «فقر، وجود اتباع بیگانه، عدم مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه، حضور و بازیگری کشورهای بیگانه، توسعه نامتوازن، مهاجرت، تروریسم، فقدان اشتغال، قاچاق کالا، ساختار جمعیت، تفاوت‌های اجتماعی- مذهبی با بدنه اصلی کشور» می‌باشد.

همچنین پرسش‌های پژوهش حاضر بدین گونه تنظیم شده است؛

- کدام یک از تهدیدات (طبیعی و انسان‌ساز) بر پیامدهای امنیتی در سیستان و بلوچستان تأثیرگذاری بیشتری دارند؟
- چه رابطه‌ای میان تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز در سیستان و بلوچستان وجود دارد؟ بر این اساس، فرضیه تحقیق به‌قرار زیر می‌باشد؛
- به نظر می‌رسد تهدیدات طبیعی بر پیامدهای امنیتی استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذاری بیشتری دارد.
- به نظر می‌رسد بین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز در استان سیستان و بلوچستان تفاوت معناداری وجود دارد.

استان سیستان و بلوچستان، با پهنه‌ای حدود ۱۸۱ هزار و ۷۵۸ هزار کیلومتر مربع در جنوب خاوری ایران بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی واقع شده که از شمال به استان خراسان جنوبی، از شرق در مرزی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان و پاکستان، از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان و از جنوب با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی به دریای عمان محدود می‌شود (سالنامه آماری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰: ۹). همچنین لازم به ذکر است مرز استان سیستان و بلوچستان حدود ۱ هزار و ۲۶۰ کیلومتر (مرز ایران و پاکستان ۹۷۸ کیلومتر)، (خشکی ۷۲۱ و آبی ۲۵۷ کیلومتر) و مرز ایران و افغانستان ۲۸۲ کیلومتر (خشکی ۲۰۳ و آبی ۷۹ کیلومتر) بوده است. این استان با کشورهای افغانستان و پاکستان، مرز آبی و خشکی مشترک دارد و کوه ملک سیاه، در

۴۰ کیلومتری شمال خاوری شهر زاهدان، نقطه مرزی مشترک کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان است (جعفری، ۱۳۹۱: ۲).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های کتابخانه‌ای

الف) استخراج شاخص‌های تهدیدات طبیعی و پیامدهای امنیتی آن در سیستان و بلوچستان

تهدیدات طبیعی، چه از نوع اقلیمی و چه از نوع زمین‌شناسی، در مناطق مختلف تأثیرات متفاوتی دارند. برخی از این تهدیدات با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، مثبت و برخی دیگر منفی عمل می‌کنند. تهدیدات طبیعی انواع دارند که در این بخش با توجه به منطقه مورد مطالعه، به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر نابسامانی طبیعی در فضای جغرافیایی (استان سیستان و بلوچستان) پرداخته خواهد شد.



جدول ۳: شاخص های تهدیدات طبیعی در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
۱	دما و پیشینه آن	با توجه به اینکه منطقه سیستان و بلوچستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی، از یک طرف تحت تأثیر جریان های جوی متعدد مانند جریان بادی شبه قاره هند و به تبع آن باران های موسمی اقیانوس هند است و از طرف دیگر تحت تأثیر فشار زیاد عرض های متوسط قرار دارد، می توان گفت گرمای شدید، مهم ترین پدیده مشهود اقلیمی در این استان می باشد که منشأ اصلی این گرما، افزایش دما و نیز پایدار بودن آن بر روی استان می باشد (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴). به طور کل، بیشترین میزان دما در فصل تابستان به ثبت رسیده است. همچنین کمترین حد دمای استان در ماه های آذر و دی نیز ثبت شده است. میانگین حداقل دمای سردترین ماه سال بین حدود دوازده تا سیزده درجه سانتی گراد متغیر است. سردترین شهر استان، زاهدان و گرمترین شهر آن ایرانشهر است. اختلاف و نوسان دمای بین زمستان و تابستان و حتی در یک شبانه روز بسیار بالا است، ولی حداقل مطلق دما به ندرت به صفر درجه می رسد. این اختلاف دما و از سوی دیگر دارا بودن پیشینه بالای دمایی در استان به صورت های مختلف محدودیت های طبیعی را می تواند در جنوب شرق کشور و بالأخص سیستان و بلوچستان ایجاد کند و به صورت های مختلف بر وضعیت زندگی در فضاهای جغرافیایی و میزان تأثیرپذیری ساکنین تأثیر گذار باشد (جان پرور و اخلاقی حسینی، ۱۳۹۵: ۴)
۲	خشکسالی های فراگیر	استان سیستان و بلوچستان نیز یکی از مناطق مستعد به خشکسالی در کشور است که در سال های اخیر خسارت های زیادی را متحمل شده است. خسارات وارد شده به شهرستان هیرمند واقع در شمال این استان بیشتر از مناطق دیگر استان قابل رؤیت است. بر مبنای ویژگی خشکسالی هیدرولوژیک (آشتاب و شریف زاده، ۱۳۹۶: ۷۶). بدین ترتیب خشکسالی یکی از تهدیداتی است که زیان های بسیاری را بر زیست سیستان و بلوچستان بر جای گذاشته است که زمینه مهاجرت بسیاری را به استان های هم جوار فراهم ساخته است.
۳	بادهای ۱۲۰ روزه	اختلاف فشار منطقه ای و ناحیه ای در استان سیستان و بلوچستان منجر به پیدایش باد های محلی مانند باد شمال، باد غربی و باد شرقی می شود. در بین باد های محلی ایران، باد ۱۲۰ روزه سیستان، شهرتی بسزا دارد. این باد تقریباً از ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور بر بخش شرقی ایران حاکمیت می یابد که سرعت آن بین ۱۱۰ تا ۱۷۰ کیلومتر در ساعت با درجه حرارتی معادل ۵۷ درجه سانتی گراد تخمین زده اند (خسروی، ۱۳۸۳: ۱۷۰). لذا زمانی که خشکسالی با باد های ۱۲۰ روزه همراه می شود زمینه شکل گیری طوفان شن و سخت شدن زیست در استان سیستان و بلوچستان را به همراه می آورد.
۴	طوفان شن	خشکسالی های طولانی در این استان زمینه خشک شدن رودها از جمله (هیرمند، هامون) و از بین رفتن پوشش گیاهی را فراهم آورده است و زمانی که باد های ۱۲۰ روزه در این استان می وزد، خود را به صورت طوفان شن به نمایش می گذارد که این طوفان شن به اندازه ای است که روستاها، خانه ها به زیر شن ها مدفون گشته اند. از جمله پیامدهای امنیتی، آن شکل گیری بسیاری از بیماری های تنفسی و پوستی می باشد.
۵	بارش باران های سیل آسا	سیل یک پدیده طبیعی است که در هنگام بروز مانند هر بلای طبیعی دیگری دارای آثار تخریبی غیر قابل اجتناب است. بر اساس جغرافیای طبیعی کشورمان و میزان حادثه خیزی، در برخی مناطق آن از جمله استان سیستان و بلوچستان، اثرات سوء ناشی از وقوع سیل کمتر از زلزله نبوده و عدم پیشگیری از وقوع آن می تواند خسارت جانی و مالی جبران ناپذیری را بر جای گذارد (جان پرور و اخلاقی حسینی، ۱۳۹۵: ۸). لذا به دلیل آنکه این استان درگیر خشکسالی های طولانی مدت است

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
		منجر به از بین رفتن پوشش گیاهی شده و همین زمینه شکل‌گیری سیل در زمان بارش باران در این استان است.
۶	زمین‌لرزه	کشور ما نیز در منطقه‌ای از کره زمین قرار دارد که از نگاه زمین‌ساختی و لرزه‌خیزی بسیار ناآرام و پر تحرک است. به‌علاوه، تجربه نشان داده است که وقوع هر زلزله شدید در ایران ضایعات جانی و مالی فراوانی را به همراه داشته است. استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران، بر روی کمربند زلزله‌ای دنیا قرار دارد. بررسی تاریخ زمین‌لرزه‌های استان نشان می‌دهد که خطر لرزه‌خیزی در این استان بسیار بالا می‌باشد (ییلویی، ۱۳۸۷: ۳). بدین ترتیب زمین‌لرزه همواره یکی از تهدیدات اساسی می‌باشد که زیست را در سیستان و بلوچستان با چالش جدی مواجه نموده است.
۷	فاصله جغرافیایی	در گستره سرزمینی ایران با افزایش فاصله از اقتدار و حاکمیت حکومت کاسته می‌شود و این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی به حداکثر خود می‌رسد، این کاهش توانایی در کنترل، مدیریت و نظارت بر نواحی دورافتاده زمینه را برای واگرایی از قانون و حکومت مرکزی فراهم می‌آورد؛ که یکی از نتایجش شکل‌گیری و فعالیت اشرا و گروهک‌های تروریستی است. فاصله جغرافیای استان سیستان و بلوچستان با تهران باعث شده است این استان به لحاظ موقعیت اقتصادی و فرهنگی نسبت به مرکز کشور تفاوت چشم‌گیری داشته باشد و به‌نوعی باعث عدم پیشرفت این استان شده است (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱) که می‌توان گفت فاصله جغرافیایی زمینه شکل‌گیری پیامدهای امنیتی بسیاری در این استان شده است.
۸	شرایط محیطی	وجود عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن در سیستان و بلوچستان قدرت مانور گروهک‌های تروریستی و اشرا مسلح را در این منطقه افزایش داده؛ به‌طوری‌که شناسایی و تعقیب تروریست‌ها را در این منطقه بسیار دشوار کرده است. درواقع، تروریست‌ها و اشرا از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از جنگ نیروهای انتظامی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱). همچنین، قرار گرفتن فضای گسترده و مثلثی شکل کویرهای داخلی ایران (مثلث قم - سبزوار - ایرانشهر) میان بلوچستان و بخش مرکزی کشور، باعث دورافتادگی جغرافیایی این منطقه شده و به آن موقعیت کاملاً حاشیه‌ای داده است؛ به‌طوری‌که بلوچستان، سرزمین فقیر، عقب‌مانده، اعتیاد، قاچاق مواد مخدر، گرما و کم‌آبی شناخته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۷۴).
۹	موقعیت مکانی	استان سیستان و بلوچستان با ۱۲۱۱ کیلومتر مرز خشکی و رودخانه‌ای و ۳۷۰ کیلومتر ساحل مقام اول را از لحاظ گستردگی مرز و ساحل در میان استان‌های مرزی کشور دارا می‌باشد. همچنین این استان یکی از وسیع‌ترین استان‌های کشور است که از دو منطقه متمایز سیستان و بلوچستان تشکیل شده است. علاوه بر اینکه تمام مرز پاکستان (ایالت بلوچستان) با کشورمان با این استان است، ۲۷۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان که به لحاظ دریاچه هامون، رود هیرمند و فراه رود از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است نیز در این استان واقع شده است. همچنین از جنوب از طریق دریای عمان با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌ویژه دو کشور عمان و امارات متحده عربی مرتبط است (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۲). از این‌رو موقعیت مکانی استان به‌عنوان یک عامل تهدید جدی برای این استان و دولت مرکزی به شمار می‌آید.
۱۰	پیوستگی با فراسوی مرز	قوم بلوچ در منطقه گسترده‌ای از استان سیستان و بلوچستان پراکنده شده‌اند. علاوه بر این، طوایف بلوچ در استان‌های زابل، خرد، قندهار و هیلمند افغانستان، ایالات بلوچستان پاکستان و کراچی مرکز ایالات سند پاکستان زندگی می‌کنند. در شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس، در تانزانیا (آفریقا) و ترکمنستان در آسیای مرکزی طوایفی از بلوچ شناسایی شده‌اند که زبان و



ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
		سنت‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند. این پراکندگی جمعیت بلوچ را در معرض تحولات سیاسی و فکری متفاوتی قرار داده است. لذا آنچه امروزه به نام سیستان و بلوچستان خوانده می‌شود، منطقه نسبتاً وسیعی بوده است که در گذشته بنا به دلایل مختلف تاریخی و متأثر از سیاست‌های دولت بریتانیا، از نقطه نظر جغرافیای سیاسی یکپارچه باقی نمانده و تجزیه شده است (ملازهی، ۱۳۸۰: ۹۰-۹۱). این پیوستگی با فراسوی مرز به عنوان تهدید جدی برای دولت مرکزی به شمار می‌آید که از جمله پیامدهای امنیتی آن جدایی طلبی در این استان می‌باشد.

مأخذ: (تدوین از نگارندگان، ۱۳۹۷)

ب) استخراج شاخص‌های تهدیدات انسان‌ساز و پیامدهای امنیتی آن در سیستان و بلوچستان

تهدیدات انسانی، در مناطق و فضاهای مختلف، تأثیرات متفاوتی دارند. برخی از این تهدیدات، با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، مثبت و برخی دیگر منفی عمل می‌کنند. تهدیدات انسانی انواع دارند که در این بخش با توجه به منطقه مورد مطالعه، به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاخص‌های مؤثر بر نابسامانی انسانی در استان سیستان و بلوچستان پرداخته خواهد شد.

جدول ۴: شاخص‌های تهدیدات انسانی در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
۱	فقر	مقاله نویسنده مشهور نیویورک تایمز، توماس فریدمان در دسامبر ۲۰۰۱ نوشت که در جهانی با تعامل فزاینده، نادیده گرفتن مشکلات مردمان فقیری که در محله‌های نامناسب زندگی می‌کنند غیرممکن است. شما اگر به دیدار آنان نرفته‌اید، آنان به دیدار شما خواهند آمد (Bright & Robert, ۲۰۰۳: ۱۳۸). از این رو استان سیستان و بلوچستان به دلیل دوری از مرکز و قرار گرفتن در نقطه کور کشور از هر مزیت و اشتغالی به دور است و همچنین به دلیل عدم بی‌مدیریتی مسئولین و عدم استفاده از پتانسیل‌های بالقوه موجود در این استان آمار فقر شهروندان در این استان بالا می‌باشد و به همین دلیل شهروندان سیستانی به گروه‌های تروریستی ملحق شده و یا رو به قاچاق کالا آورده‌اند. بر این مبنا می‌توان گفت که فقر یکی از مهم‌ترین تهدیدات انسانی می‌باشد که فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان را نابسامان کرده و پیامدهای امنیتی بسیاری را از خود برجای گذاشته است.
۲	وجود اتباع بیگانه	اتباع بیگانه برای هر کشوری مشکلاتی را به همراه دارد و تبعات امنیتی متعددی را ایجاد می‌نماید (احمدی مقدم، ۲۰۱۳: ۸۹). هجوم مهاجران افغانی و پاکستانی جدای از آنکه ثبات داخلی را تهدید می‌کند، موجی از تنش‌های داخلی را در سیستان و بلوچستان و کشور به وجود می‌آورد که موجب می‌شود یک هزینه اضافی بر دستگاه‌های اقتصادی دولت‌های این منطقه، برای جواب‌گویی به حداقل نیازهای

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
		<p>معیشتی این مهاجران تحمیل شود. همچنین روی آوردن گروه‌هایی از این مهاجرین به کارهای خلاف مثل قاچاق مواد مخدر، سرقت، آدم‌ربایی و غیره، هراس و وحشت را در بین شهروندان سیستان و بلوچستانی ایجاد می‌کند و امنیت داخلی را تهدید می‌کند. زاغه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و تکدی‌گری از پیامدهای امنیتی حضور مهاجرین افغانی و پاکستانی در فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان است.</p>
۳	عدم مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه	<p>مدیریت فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است (ستاری ساربان قلی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). از این‌رو، بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه با نخبگان، همه به‌گونه‌ای بر ضعف مدیریت محلی در امر توسعه پایدار شهری و برنامه‌ریزی بهینه تأکید کرده‌اند و نگاهی به نامنی و بحران‌های حال حاضر سیستان و بلوچستان می‌تواند آن را تأیید نماید. بر این مبناء، می‌توان گفت که یکی از تأثیرگذارترین تهدیدات فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان ضعف مدیریت محلی است که با سوء مدیریت و ناتوانی زمینه نابسامانی و پیامدهای امنیتی بسیاری را در این استان فراهم آورده است.</p>
۴	حضور و بازیگری کشورهای بیگانه	<p>از مهم‌ترین نیروهای مداخله‌گر با منشأ خارجی که باعث تشدید واگرایی در این استان شده و در شکل‌گیری نامنی‌ها در این استان دخیل هستند عبارت‌اند از: گسترش اقوام این استان باهم‌کیشان خود در کشورهای پاکستان و افغانستان، مهاجرت طلاب بلوچ این منطقه برای تحصیل علوم دینی به کشورهای همسایه و تأثیرپذیری این افراد از فضاهای حاکم در این کشورها، حضور و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند بحران‌های داخلی دو کشور افغانستان و پاکستان، حمایت‌های مالی و مذهبی کشورهای منطقه (عربستان، پاکستان، امارات و...) از گروه‌های افراط‌گرا در استان، عدم همکاری کشورهای همسایه در تأمین امنیت و تردد در خطوط مرزی و پیرامون آن وجود گروه‌های بنیادگرا و جنبش‌های مذهبی در کشورهای پاکستان و افغانستان و همچنین شرایط بین‌المللی را می‌توان برشمرد (محمدزاده، ۱۳۹۱: ۹۹). از این‌رو می‌توان گفت که وجود بازیگران بیگانه از جمله کشورهای افغانستان، پاکستان و سایر بازیگرانی همچون، امریکا و اسرائیل در نابسامانی و نامنی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان تأثیر بسیاری دارد.</p>
۵	توسعه نامتوازن استان	<p>استان سیستان و بلوچستان در جایگاه پهناورترین استان کشور در دهه‌های اخیر دچار ناامنی‌ها و چالش‌هایی امنیتی فراوانی بوده است که گستره تحلیلی آن را باید در سه سطح ناحیه‌ای، ملی و فراملی جستجو کرد. بر این مبناء، در بعد ملی و ناحیه‌ای توسعه نامتوازن ساختار نظام سیاسی متمرکز و الگوی سیاسی اقتصادی مرکز پیرامون و ناکارآمدی سازوکارهای مؤثر در مزیت‌آفرینی و خلق فرصت بر بنیاد توان‌های محیطی وجود تنگناهای جغرافیایی دوری از مرکز خشکسالی و کم‌آبی و... ضعف زمینه‌های مشارکت محلی و ناهمگونی مذهبی با اکثریت در پیدایش زمینه‌های بحران ناحیه‌ای و</p>



ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
		چالش‌های امنیتی مؤثر بوده است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱)؛ بنابراین، یکی دیگر از تهدیدات تأثیرگذار دیگر بر فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان توسعه نامتوازن استان می‌باشد که زمینه نابسامانی و پیامدهای امنیتی بسیاری را در دهه حاضر در این استان فراهم آورده است.
۶	مهاجرت	در اکثر کشورهای درحال توسعه به‌ویژه در شهرهای ایران شاهد خواهیم بود که شهرهای بسیاری بر پایه بحران‌های آب، جنگل، غذا و انرژی خالی از سکنه شده و به فراموشی سپرده خواهند شد و ساکنان آن به دیگر شهرها مهاجرت خواهند کرد (قربانی سپهر، ۱۳۹۷: ۳۲۰). لذا مردم سیستان و بلوچستان و روستاهای پراکنده آن نزدیک به دو دهه است که با مشکلات عدیده‌ای از جمله خشکسالی‌ها، بسته شدن مرز، نبود آب در تالاب بین‌المللی هامون، عدم امکان فعالیت‌های دامداری و کشاورزی پایدار در منطقه و... مواجه هستند و این امر منجر شده تا برخی از مردم این منطقه مهاجرت به شهرها و استان‌های برخوردار را بر ماندن در محل سکونت خود ترجیح دهند. از این‌رو، مهم‌ترین مشکل مردم سیستان و بلوچستان که منجر به مهاجرت می‌شود، بی‌آبی، بیکاری و تغییرات اکولوژیک منطقه است که در پی آن منجر به مهاجرت و نابسامان شدن فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان می‌شود.
۷	تروریسم	منطقه جنوب شرقی ایران به دلیل این‌که هنوز ماهیت و ساختار سنتی خود را حفظ کرده و ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی در این منطقه مبتنی بر نظام طایفه‌ای - قومی است و از طرفی به دلیل اثرات ناشی از سخت طبیعت و شرایط نامساعد زیستی برای ساکنان این منطقه شرایط را برای تلفیق خشم طبیعت و خشونت انسان مهیا ساخته و در نتیجه زمینه را برای عملیات تروریستی و روانی برای مخالفان دولت مرکزی فراهم نموده است. کشورهای غربی سعی دارند با استفاده از این ویژگی منطقه جنوب شرقی ایران با کمک از گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته و کشورهای پاکستان و افغانستان و دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی در این منطقه، زمینه را برای ایجاد ناامنی در ایران فراهم کنند (محمدزاده، ۱۳۹۱: ۹). بر این مبنای وجود تروریسم و عملیات تروریستی در جنوب شرقی کشور (سیستان بلوچستان)، زمینه پیامدهای امنیتی بسیاری را فراهم آورده است.
۸	فقدان اشتغال (قاچاق کالا و مواد مخدر)	عدم توسعه مناسب اقتصادی منطقه، بیکاری و فقر در دو سوی مرز موجب روی آوردن برخی از جوانان به قاچاق و اعمال خلاف قانون گردیده است (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۸). لذا هم‌مرز بودن سیستان و بلوچستان با کشورهای افغانستان و پاکستان اگرچه می‌تواند فرصت‌های زیادی به ارمغان بیاورد اما در این بین تهدیداتی هم در پی دارد از جمله قاچاق کالا، مواد مخدر و شغل‌های کاذب می‌باشد که دلیل آن فقدان اشتغال می‌باشد که از جمله پیامدهای امنیتی آن به شمار می‌آید.
۹	ساختار	در استان سیستان بلوچستان ساختار جمعیت یکی از تهدیدات مؤثر بر نابسامانی

ردیف	تهدید طبیعی	توضیحات
	جمعیت	فضای جغرافیایی آن می‌باشد که کل استان را تحت تأثیر خود قرار داده است. طبق مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، استان سیستان و بلوچستان بیشترین جمعیت را در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵ در رده سنی جوان ۶۴-۱۵ ساله را دارا بوده و چون در این استان فقر و بیکاری در طول این سال‌ها وجود داشته است، این ساختار جمعیت منجر به تشدید نابسامانی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان شده است.
۱۰	تفاوت‌های اجتماعی - مذهبی با بدنه اصلی کشور	وهابیت در بخش بلوچستان ایران نیز دارای شرایط مناسب برای تبلیغ و توسعه بوده است. وجود اهل سنت حنفی که نسبت به تشیع در اکثریت قاطع هستند، آزادی عمل وهابیان در پاکستان و نیز پیوستگی قومی بلوچ‌های ایرانی با خارج از کشور، فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تفاوت‌های مذهبی مرکز و پیرامون در ایران به همراه تبلیغات وهابیان مبنی بر این که دولت ایران یک نظام شیعی است و نه حکومت اسلامی در این زمینه به توسعه وهابیت کمک کرده است. نمونه چنین گروه‌هایی حزب الفرقان بلوچستان ایران است که تشکلی عمدتاً مذهبی می‌باشد و مولوی‌های ناراضی از حکومت شیعی ایران در آن فعال‌اند. این حزب در پاکستان وابسته به سپاه صحابه است که به لحاظ فکری به مکتب دیوبندی گرایش دارد (اکرم عارفی، ۱۳۷۸: ۱۹۳). بلوچ‌ها در قالب ده‌ها طایفه بزرگ و کوچک سازمان‌دهی شده‌اند. به‌گونه‌ای که شمار طایفه‌های بلوچ ۱۵۰ طایفه کوچک و بزرگ ذکر کرده‌اند. از این‌رو، ساختار طایفه‌ای و سرداری در بلوچستان با ظهور دولت مدرن دستخوش تحولات اساسی شد. با روی کار آمدن سلسله پهلوی این ساختار بیشتر در هم کوبیده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی این ساختار سنتی سرداری به شدت تضعیف شد، اما در قالب‌های جدیدی همچون مولوی‌ها دوباره آغاز به فعالیت کرده است (ضرغامی و انصاری‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۹)؛ لذا تفاوت‌های اجتماعی- مذهبی از جمله عوامل مهمی است که زمینه نابسامانی و پیامدهای امنیتی بسیاری را در این استان به همراه داشته است.

مأخذ: (تدوین از نگارندگان، ۱۳۹۷)

۲. یافته‌های میدانی

به هر ترتیب، برای اینکه بتوان تأثیرگذاری تهدیدات امنیتی را بر روی فضای جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد، پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت طراحی شده و در اختیار صاحب‌نظران (نخبگان و مسئولین استان) قرار گرفته است. نتایج حاصل از جمع‌آوری این داده‌های پرسشنامه‌ای از طریق آزمون فریدمن و T-Test مورد ارزیابی قرار گرفته که در ادامه به آن می‌پردازیم.



فرضیه اول: به نظر می‌رسد تهدیدات طبیعی بر پیامدهای امنیتی استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذاری بیشتری دارد.

برای جواب سؤال اول که کدام یک از تهدیدات بر پیامدهای امنیتی سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است، از پرسشنامه طیفی استفاده شده و آن را در بین (نخبگان و مسئولین استان) قرار داده‌ایم. در این پرسشنامه با توجه به مشاهدات و گزارش‌های میدانی ۲ شاخص کلی به‌عنوان تهدیدات پایه‌ای و برای هر تهدید ۱۰ زیرشاخص را در نظر گرفتیم که پاسخگویان از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» به آن‌ها امتیاز داده‌اند. سپس برای تجزیه و تحلیل آن از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی گویه بهره گرفته شده است.

جدول ۵: امتیاز گویه‌ها در آزمون فریدمن

ردیف	شاخص‌ها	زیرشاخص‌های (عناصر) توسعه امنیت پایدار شهری	تعداد	میانگین رتبه‌ها
۱	تهدیدات طبیعی	خشکسالی‌های فراگیر	۷۰	۱۳/۰۰
۲		شرایط محیطی (وجود بیابان و کویر)	۷۰	۱۳/۰۰
۳		دما و پیشینه آن	۷۰	۱۲/۰۰
۴		طوفان شن	۷۰	۱۱/۰۰
۵		بادهای ۱۲۰ روزه	۷۰	۱۱/۰۰
۶		فاصله جغرافیایی (دوری از پایتخت)	۷۰	۱۱/۰۰
۷		موقعیت مکانی (هم‌مرز بودن با افغانستان و پاکستان و سایر شهرهای داخلی)	۷۰	۱۰/۰۰
۸		پیوستگی طبیعی با فراسوی مرز (از نظر استقرار گروه‌های قومی بلوچ با سایر قوم بلوچ در کشورهای هم‌جوار)	۷۰	۹/۰۲
۹		بارش باران‌های سیل‌آسا	۷۰	۳/۰۰
۱۰		زمین‌لرزه	۷۰	۳/۰۰
۱۱	تهدیدات انسان‌ساز	فقر	۷۰	۱۴/۰۰
۱۲		بیکاری (فقدان اشتغال و رجوع به قاچاق کالا)	۷۰	۱۴/۰۰
۱۳		عدم مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه (ضعف مدیریت محلی)	۷۰	۱۳/۰۰
۱۴		مهاجرت	۷۰	۱۱/۰۰
۱۵		وجود اتباع بیگانه	۷۰	۹/۰۰
۱۶		توسعه نامتوازن استان	۷۰	۹/۰۰
۱۷		تروریسم	۷۰	۹/۰۰
۱۸		ساختار جمعیت	۷۰	۹/۰۰
۱۹		تفاوت‌های اجتماعی مذهبی با بدنه اصلی کشور	۷۰	۹/۰۰
۲۰		حضور و بازیگری کشورهای بیگانه در دو کشور همسایه	۷۰	۸/۰۰

مأخذ: (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

در جدول بالا که نتیجه آزمون فریدمن هست، به گویه‌ها امتیاز داده شده و آن‌ها را بر اساس امتیازی که کسب کرده‌اند اولویت‌بندی و بر اساس سلیقه شخصی در دو دسته آورده‌ایم. همان‌طور که در تک‌تک زیرشاخص‌ها پیداست، زیرشاخص‌های تهدیدات انسان‌ساز بیشترین امتیازها را داراست.

جدول ۶: وضعیت رتبه‌بندی تهدیدات

ردیف	شاخص‌ها	رتبه	میانگین رتبه‌ها
۱	تهدیدات طبیعی	۲	۱/۰۸
۲	تهدیدات انسان‌ساز	۱	۱/۳۳

مأخذ: (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

بر اساس نتایجی که از آزمون فریدمن به‌دست‌آمده می‌توان گفت که در بین گویه‌های پژوهش، گویه دوم، یعنی «تهدیدات انسان‌ساز»، در رتبه اول قرار می‌گیرد و گویه اول، یعنی «تهدیدات طبیعی» در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در بین گویه‌ها، گویه دوم با امتیاز ۱/۳۳ مبنی بر اینکه نقش تهدیدات انسان‌ساز بر پیامدهای امنیتی استان بیشتر از تهدیدات طبیعی است در رتبه اول قرار می‌گیرد و گویه اول با امتیاز ۱/۰۸ تهدیدات طبیعی در تبه دوم قرار گرفته است.

جدول ۷: معناداری آزمون فریدمن

آماره	تهدیدات انسان‌ساز
تعداد	۶۹
خی دو	۴۰۳/۰۰۰
درجه آزادی	۱۹
سطح معنی دار	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

همچنین، جدول بالا میزان معناداری را نیز نشان می‌دهد که می‌توان گفت با توجه به اینکه میزان sig برابر با صفر است، معناداری وجود دارد. به‌طورکلی، نتایج به‌دست‌آمده حاکی بر (رد) فرضیه اول پژوهش می‌باشد؛ یعنی نقش تهدیدات انسان‌ساز بر پیامدهای امنیتی استان نسبت به تهدیدات طبیعی بیشتر است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز در استان سیستان و بلوچستان تفاوت معناداری وجود دارد.



برای بررسی شاخص‌های پژوهش از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. بدین‌صورت که این آزمون، میانگین داده‌های یک متغیر را با یک مقدار مشخص، مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری اختلاف آن‌ها را مشخص می‌نماید. به دلیل این که سؤالات پرسشنامه، دارای پنج گزینه برای انتخاب بوده است، با مقایسه نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بررسی نمود که از نظر افراد نمونه آماری، بین میانگین متغیرها تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟

جدول ۸: نتایج آزمون تی (میانگین عوامل) تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز

شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
جمع کل شاخص‌های تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز	۶۹	۷۴/۰۰۰۰	۹/۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

جدول ۹: میزان تفاوت از میانگین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز

آزمون تی				
سطح اطمینان ۹۵٪				
شاخص‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
جمع کل شاخص‌های تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز	-۱۷/۰۰۰	۶۸	۰/۰۰۰	-۲۰/۰۰۰۰۰
تأیید یا رد تأثیر شاخص	سطح پایین	سطح بالا	سطح	تأیید یا رد تأثیر شاخص
				-۱۸/۰۰۰۰ - ۲۳/۰۰۰۰

نتیجه حاصل از آزمون T-Test برای وجود تفاوت معناداری تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز مؤثر بر نابسامانی فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان نشان‌دهنده آن است که سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار مثبتی بین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز وجود دارد. بدین ترتیب، بین این دو، یعنی تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز رابطه معناداری وجود دارد. به‌طورکلی، نتایج به‌دست‌آمده حاکی بر (تأیید) فرضیه دوم پژوهش می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، جنوب شرق کشور به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان، یکی از نقاط کشور به شمار می‌رود که مسئله امنیت و ناامنی در آن از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. از جمله ابعاد پایه‌ای که بر امنیت و ناامنی در این فضای جغرافیایی تأثیرگذار می‌باشد و در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده، تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز می‌باشد. به بیان دیگر، استان سیستان و بلوچستان با تهدیدات و ناامنی‌های دائمی و بطنی دست‌به‌گریبان بوده، هست و خواهد بود؛ بنابراین، تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز تأثیرگذار در این فضای جغرافیایی بحران و ناامنی را در سیستان و بلوچستان دوچندان نموده که پیامدهای امنیتی ناگواری را برای این استان در سال‌های اخیر از جمله «تهدید نگرش به حاکمیت، تهدید اندیشه‌های حاکم، تهدید هویت ملی، تهدید انسجام اجتماعی، تهدید سرمایه اجتماعی، تهدید دل‌بستگی ملی، تهدید رفتار اجتماعی» رقم‌زده است که به تبع آن زمینه ناآرامی‌های اجتماعی در میان شهروندان، طراحی توطئه آمیز بازیگران خارجی، دخالت گروه‌های اجتماعی ناراضی فراهم شده است. حال با توجه به مباحث گفته‌شده، بایستی تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز را که در پژوهش حاضر شناسایی شده مدنظر قرار داد و راه‌حل‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح و کاربردی در جهت کاهش حداقلی این عوامل طبیعی و انسانی جهت جلوگیری از نابسامانی و ناامنی‌های فضای جغرافیایی استان و رسیدگی به مناطق محروم و دارای شرایط بحرانی از لحاظ طبیعی و انسانی را مدنظر قرار داد.

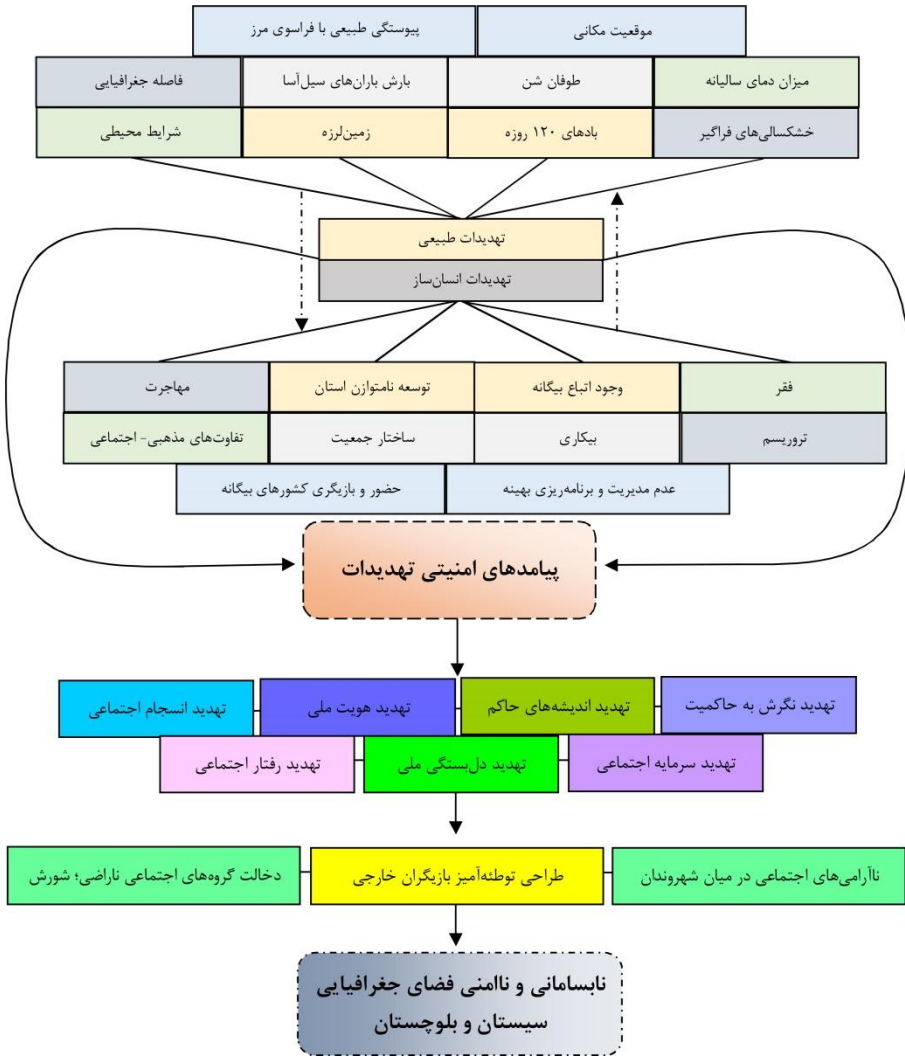
بر اساس نتایجی که از آزمون فریدمن در پاسخ به پرسش اول پژوهش به‌دست آمده، می‌توان گفت که در بین گویه‌های تحقیق، گویه دوم، یعنی «تهدیدات انسان‌ساز»، در رتبه اول قرار می‌گیرد و گویه اول «تهدیدات طبیعی» در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در بین گویه‌ها، گویه دوم با امتیاز ۱/۳۳ مبنی بر اینکه نقش تهدیدات انسان‌ساز بر پیامدهای امنیتی استان بیشتر از تهدیدات طبیعی است، در رتبه اول قرار می‌گیرد و گویه اول با امتیاز ۱/۰۸ تهدیدات طبیعی در رتبه دوم قرار گرفته است.

همچنین، بر اساس نتیجه حاصل از آزمون T-Test در پاسخ به پرسش دوم برای وجود تفاوت معناداری تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز مؤثر بر نابسامانی فضای جغرافیایی



سیستان و بلوچستان نشان‌دهنده آن است که سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، اختلاف معنادار مثبتی بین تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز وجود دارد. بدین ترتیب، بین این دو، یعنی تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز رابطه معناداری وجود دارد. به‌طور کلی، نتایج به‌دست‌آمده حاکی بر (تأیید) فرضیه دوم پژوهش می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که میان تهدیدات طبیعی و انسان‌ساز شکل گرفته در استان یک درهم‌تنیدگی وجود دارد؛ به‌طوری‌که تهدیدات طبیعی بر روی شدت تهدیدات انسان‌ساز بر فضای جغرافیایی استان تأثیر می‌گذارد که این درهم‌تنیدگی و پیوند تهدیدات زمینه رخداد پیامدهای امنیتی را بر فضای استان سیستان و بلوچستان برجای گذاشته است.



شکل ۳: تهدیدات طبیعی و انسان ساز سیستان و بلوچستان و پیامدهای امنیتی آن
(مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

منابع

- احمدی‌مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹). «راهبردهای انتظامی در جغرافیای سیستان و بلوچستان». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۳۱-۱.
- اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۷). «مطالعه انسان‌شناختی بازارچه مشترک مرزی با رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی». نشریه دانشنامه انسان‌شناسی، سال پنجم، شماره نهم، صص ۶۵-۳۸.
- آشتاب، عاطفه؛ شریف‌زاده، مریم (۱۳۹۶). «آسیب‌پذیری معیشت کشاورزان بر اثر پدیده خشکسالی (مورد مطالعه: شهرستان هیرمند)». فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره سیزدهم، شماره اول، صص ۷۵-۸۸.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «کالبدشکافی تهدید». تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی سپاه.
- اکرم عارفی، محمد (۱۳۷۸). «مبانی مذهبی و قومی طالبان». فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره چهارم، صص ۲۱۲-۱۹۱.
- ایزدی، حسن؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «ارزیابی جغرافیایی تروریسم در جنوب شرق ایران». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، صص ۱۲۶-۹۱.
- بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ دهقانی، میثم؛ جهان‌تیغ، راضیه (۱۳۹۷). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان)». فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، سال هشتم، شماره بیست و ششم، صص ۱۷۸-۱۵۹.
- بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دو ویلد، پاپ (۱۳۹۲). «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت». (چاپ دوم)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیک محمدی، حسن و همکاران (۱۳۸۴). «اثرات خشکسالی‌های ۸۳-۱۳۷۷ بر اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن». مجله جغرافیا و توسعه، دوره سوم، شماره پنجم، صص ۷۲-۵۳.
- بیک‌محمدی، حسن؛ نوری زمان‌آبادی، سید هدایت‌الله، بذرافشان، جواد (۱۳۸۴). «اثرات خشکسالی‌های ۸۳-۱۳۷۷ بر اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن». مجله جغرافیا و توسعه، دوره سوم، شماره پنجم، صص ۷۲-۵۳.
- جان‌پرور، محسن؛ اخلاقی حسینی، فاطمه سادات (۱۳۹۵). «شکندگی طبیعی و امنیت و ناامنی در جنوب شرق کشور». تهران: نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران و اولین همایش انجمن جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران، صص ۱۷-۱.

- جان پرور، محسن؛ صالح‌آبادی، ریحانه؛ زرگری، مطهره (۱۳۹۶). «پیامدهای بحران‌های مهاجرت ناشی از خشکسالی‌های کوتاه‌مدت در استان سیستان و بلوچستان». فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال پانزدهم، شماره پنجاه و دوم، صص ۱۸۳-۱۹۹.
- جعفری، عباس (۱۳۹۱). «شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران». (چاپ چهارم)، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). «جغرافیای سیاسی ایران». (چاپ ششم)، تهران: انتشارات سمت.
- خسروی، محمود (۱۳۸۳). «بررسی روابط بین الگوهای چرخش جوی کلان‌مقیاس نیمکره شمالی با خشکسالی‌های سالانه سیستان و بلوچستان». مجله جغرافیا و توسعه، دوره دوم، شماره سوم، صص ۱۶۷-۱۸۸.
- درویشی سه تلانی، فرهاد (۱۳۷۷). «تهدیدات امنیت ملی یک چارچوب نظری». مجله سیاست دفاعی، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۱۶۵-۱۸۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ قرشی، سید یوسف (۱۳۹۱). «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره چهارم، صص ۴۲-۷.
- زرقانی، سید هادی؛ خوارزمی، امیدعلی؛ بخشی شادمهری، فاطمه (۱۳۹۵). «تحلیل تهدیدات تروریستی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی شهر». تهران: اجلاس ملی پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، وزارت کشور، صص ۸۸۴-۹۰۱.
- زرقانی، سید هادی؛ سجاسی قیداری، حمدالله و سیده زهرا موسوی (۱۳۹۵). «درآمدی بر مهاجرت و امنیت». تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۰). «دفتر آمار، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری سیستان و بلوچستان».
- ستاری، ساربان قلی، ذبیحی، حسن؛ ذبیحی، حسین (۱۳۸۸). «نگرشی بر مفهوم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری اسلامی». مجله فراسوی مدیریت، شماره دهم، صص ۱۴۶-۱۰۶.
- شیخی‌راد، سید ناصر؛ گزمه، علیرضا؛ رئیسی، ابوبکر (۱۳۹۷). «تبیین راهکارهای دستیابی به امنیت پایدار با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۵۶-۳۱.
- ضرغامی، برزین و سلمان انصاری‌زاده (۱۳۹۱). «تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه‌های شکاف‌های سیاسی-اجتماعی». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره هشتاد و یکم، صص ۹۵-۱۱۰.



- عزیزی، پروانه؛ آذرکمند، رزا (۱۳۹۰). «بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور». نشریه دانشنامه. دوره پنجم، شماره هشتم، صص ۹۵-۱۱۱.
- علی‌پور، عباس؛ محمد حسینی، مسعود (۱۳۹۱). «سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران (با تأکید بر امنیت مرزی)». مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره هفتاد و هشت.
- فردرو، محسن (۱۳۸۹). «آشنایی با دفاع غیرعامل: مدیریت بحران در پدافند غیرعامل». تهران: نشر عابد.
- قربانی‌سپهر، آرش (۱۳۹۷). «تبیین مفهوم و قلمرو جغرافیای سیاسی فضای شهر». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- محمذاده، لیلا (۱۳۹۱). «نقش و تأثیر توریسم سازمان‌یافته در بروز و تشدید ناامنی‌های جنوب شرق ایران». تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن بلوچستان و کل کشور». سال‌های ۶۵-۷۵-۸۵.
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن (۱۳۸۸). «پیش‌نویس مبحث بیست و یکم مقررات ملی ساختمان».
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۰). «تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در بلوچستان». فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۸۹-۱۰۶.
- موسوی، زهرا؛ اطاعت، جواد (۱۳۸۹). «رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره بیست و یکم، صص ۷۰-۸۸.
- مولایی هنجین، نصرالله (۱۳۷۷). «تحلیلی پیرامون پراکندگی جغرافیایی کوچ‌نشینان بختیاری در بیلاق و قشلاق». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره سی و پنجم، صص ۵۷-۶۸.
- هندیانی، عبدالله؛ داودی دهقانی، ابراهیم (۱۳۹۴). «ماهیت‌شناسی تهدید نرم با رویکرد انتظامی». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هفدهم، شماره چهارم، صص ۶۵-۸۷.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲). «توسعه نامتوازن ناحیه‌ای و چالش‌های امنیتی بلوچستان ایران با تأکید بر پدافند غیرعامل به‌عنوان کلید حل مسئله». مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران پدافند غیرعامل، صص ۱-۲۱.
- ییلویی، مهدی و همکاران (۱۳۸۷). «پهنه‌بندی لرزه‌خیزی استان سیستان و بلوچستان به کمک داده‌های آماری». چهارمین همایش زمین‌شناسی و محیط‌زیست، اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامشهر.

- Bright, Chris & Bngan Robert (۲۰۰۳). "Stateof the world, London, Earthscan.
- Waever, Ole (۱۹۹۵). "Securitization and Desecuritization", in Lipschutz, Ronnie D., On Security, New York: Columbia University Press.
- Williams, Michael C. (۲۰۰۳). "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics", International Studies Quarterly ۴۷, no. ۴: ۵۱۱-۳۶.

Archive of SID